MEJDS. 2018; 8:90.
Published online 2019 March. **Research Article**

Social Problem Solving on the Adaptability and Marital Satisfaction in Couples Incompatible**

Mohammad Bakhshi Mashhadloo[1], *Tavakol Mousazadeh[2], Mohammad Narimani[3]

Author Address
1. PhD candidate in general psychology, Department of Psychology, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardebil, Iran;
2. PhD in Psychology, Department of Psychology, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardebil, Iran;
3. PhD in Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardebil, Iran.
***Corresponding Author Address:** Department of Psychology, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.
Email: tavakol.mousazadeh@gmail.com

Received: 2018 August 27; **Accepted:** 2018 November 10

Abstract

Background & Objective: Family is the basis of the great human community and has a fundamental role in the strength of social relations and growth of every member of the community. Levi considers the family as a social unit on which marriage is formed. One of the most critical factors that affects the survival and growth of the family is healthy relationships based on couples' consistency and understanding. Marital adjustment is one of the most critical factors affecting the family and family life is formed by the interactions of everyday life of a husband and wife. Of course, what is essential in marriage is marital satisfaction; therefore, the study of factors affecting marital satisfaction is significant. The purpose of this research is a comparison of the effectiveness of social problem-solving skills training method for increasing the level of adaptability and marital satisfaction in incompatible couples.

Methods: This research was a semi-experimental study using a pretest-posttest design with a control group. The statistical population of the study consisted of 12 couples referring to counseling centers in Ardebil under the supervision of the psychological system during the years 2017-2018 for solving marital conflicts and problems. Qualified couples randomly assigned to two social test problem-solving groups (6 couples) and a control group (6 couples). The first group received social problem solving, and the second group did not receive any training. Two questionnaires were used to collect data. Compliance and Family Connectivity Scales that the of the present scales were reported 0.74 reliability for the dimension of integration by Cronbach's Alpha and 0.75 reliability for the compliance dimension by Mazaheri and other colleagues. And Enrique's Marriage Consultation Standard Questionnaire that the internal correlation of this test has been reported 0.93 for the long form, and 0.95 for the short way by Soleimanian and also Ellson et al. have reported that Cronbach's alpha coefficient for this questionnaire was 0.92 and its reliability based on the internal consistency method, Cronbach's alpha is 0.85. The statistical method used in this study was the descriptive and inferential and multivariate analysis of variance (MANOVA) used to analyze the hypotheses, and also data were analyzed using SPSS software.

Results: According to the results of the Kolmogorov-Smirnov test (K-S), the significance level for research variables is larger than the error value of 0.05. (Adaptability (0.086) and marital satisfaction (0.201)). So these variables have a normal distribution. The results of multivariate analysis of variance analysis in maladaptive couples showed that the amount of Lambda-Wikis is 0.043, which is significant ($p<0.001$) - according to the results of multivariate analysis of variance, adaptability and about the value of $F=7.3$, also considering that the significance level of the test error for the confidence level 0.99 is less than 0.001. Therefore, it can be said that the teaching of the social problem-solving method increases the adaptability of incompatible couples. According to the results of multivariate analysis of variance analysis, marital satisfaction, and about $F=26.67$ and also considering that the significance level of the test error for the confidence level 0.99 is less than 0.001. So, it can be said that teaching social problem-solving method increases marital satisfaction in maladaptive couples. Finally, the results showed that there is a significant difference between the two groups of social problem-solving intervention and the control group in the difference between the pre-test and post-test scores of adaptability and marital satisfaction ($p<0.001$). So the results indicated that social problem solving as a cognitive strategy could be effective in the emergence of couples' emotional responses thus, teaching social problem-solving skills could have a positive effect on the degree of adaptation and marital satisfaction of maladaptive couples.

Conclusion: The results clearly showed that social problem-solving skills training caused couples to become more intimate, and this educational intervention program has been effective in improving marital intimacy. In the final explanation of the results, it can be concluded that the social problem-solving skill method has a significant effect on increasing the level of adaptability and marital satisfaction in maladaptive couples.

Keywords: Socialproblemsolving, Adaptability, Maritalsatisfaction, Couples Incompatible.

** This article is based on the doctoral thesis of General Psychology of Department of Psychology, Ardabil Branch, Islamic Azad University.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.101.6]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۷؛ (۸):۹۰.

انتشار برخط اسفندماه ۱۳۹۷ مقاله پژوهشی اصیل

بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل‌مسئله اجتماعی بر افزایش میزان انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی در زوجین ناسازگار**

محمد بخشی مشهدلو[۱]، *توکل موسی‌زاده[۲]، محمد نریمانی[۳]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکترای روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران؛

۲. دکترای تخصصی روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران ؛

۳. دکترای تخصصی روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

***آدرس نویسندهٔ مسئول:** اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه روان‌شناسی.

***رایانامه:** tavakol.mousazadeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۵شهریور۱۳۹۷؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۹ آبان ۱۳۹۷

چکیده

هدف: خانواده اساسی‌ترین و درعین‌حال بادوام‌ترین واحد عاطفی_اجتماعی است که در تمامی مراحل رشد فرد نقش مهمی ایفا می‌کند. در این بین مفهوم سازگاری زناشویی جایگاه برجسته‌ای را در مطالعه ارتباطات خانوادگی و زناشویی به خود اختصاص داده است. هدف از اجرای این پژوهش، بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل‌مسئلهٔ اجتماعی بر افزایش انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی در زوجین ناسازگار بود.

روش‌بررسی: جامعهٔ آماری پژوهش شامل ۱۲ زوجی بود که جهت حل مشکلات و تعارضات زناشویی به مراکز مشاورهٔ شهر اردبیل تحت نظارت نظام روان‌شناسی در سال ۹۶-۹۷ مراجعه کرده بودند. زوجین واجد شرایط به روش تصادفی در دو گروه آزمایش مهارت حل‌مسئلهٔ اجتماعی (۶ زوج) و گروه گواه (۶ زوج) جای‌دهی شدند. در این پژوهش برای تجزیه‌وتحلیل از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیرهٔ (مانوا) و نرم‌افزار SPSS-22 استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین دو گروه مداخلهٔ حل‌مسئله اجتماعی و گروه گواه در تفاضل نمره‌های پیش‌آزمون_ پس‌آزمون، انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد (p>۰/۰۰۱). همچنین آموزش مهارت حل‌مسئلهٔ اجتماعی در افزایش میزان انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی زوجین ناسازگار مؤثر بود.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه روشن نمود که روش مهارت حل‌مسئلهٔ اجتماعی بر روی افزایش میزان انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی در زوجین ناسازگار تأثیر مثبتی دارد و این برنامهٔ مداخلهٔ آموزشی در بهبود و افزایش صمیمیت زناشویی مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: مهارت حل‌مسئله اجتماعی، انطباق‌پذیری، رضایت زناشویی، زوجین ناسازگار.

**این مقاله، برگرفته از رسالهٔ دکتری تخصصی روان‌شناسی عمومی محمد بخشی مشهدلو از گروه روان‌شناسی، واحداردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.101.6]

۱ مقدمه

خانواده سنگ بنای جامعه بزرگ بشری به‌شمار می‌رود که در پایداری روابط اجتماعی و رشد هریک از اعضای آن، دارای نقشی اساسی است. از نظر «لوی» خانواده واحدی اجتماعی است که اساس شکل‌گیری آن ازدواج می‌باشد (به نقل از ۱). آنچه در ازدواج مهم است، رضایت زناشویی و وضعیتی است که در آن، زن و شوهر در بیشتر مواقع احساسی ناشی از خوشبختی و رضایت از همدیگر در تعاملات میان‌فردی دارند (۲). در تعریفی که از رضایت زناشویی شده پنج عنصر و ویژگی مهم برای آن برشمرده گردیده که عبارتند از: الف) توافق زوجین در مسائلی که احتمال دارد باعث شکل‌گیری مشکلات حادی گردد؛ ب) علایق و فعالیت‌های مشترک؛ ج) بیان مداوم احساس عشق و علاقه و وجود اعتماد دوجانبه بین زوجین؛ د) وجود میزان کمتری از گلایه‌مندی و شاکی‌بودن در بین زن و شوهر و ه) شکایت و ناراحتی اندک راجع به احساس بدبخت‌بودن، تنها و منزوی‌بودن، رنجیده‌خاطر بودن (۳). ازاین‌رو یکی از مؤلفه‌های مهمی که بر میزان پایداری، بقا و رشد خانواده تأثیرگذار است، وجود روابط دوجانبهٔ سالم بین زوجین و مبتنی‌بر سازگاری، انطباق‌پذیری و تفاهم است. سازگاری زناشویی از عوامل بسیار مؤثر و اثربخش بر خانواده است و زندگی خانوادگی در جریان تعاملات دوجانبه و روزمرهٔ زوجین شکل می‌پذیرد و همین تعاملات به‌عنوان عامل اصلی معنادهنده به زندگی خانوادگی محسوب می‌شود و حدود انتظارات اعضای خانواده را از همدیگر معین می‌کند (۴). سازگاری زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی زوجین از جمله سلامت روانی تأثیر به‌سزایی دارد (۵). شتاب سرسام‌آور تحولات و پیشرفت‌های اخیر شبکهٔ گسترده و پیچیدهٔ ارتباطات انسانی و تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی مشکلات عدیده‌ای را بر سر سازش و سازگاری زوجین و دیگر افراد خانواده ایجاد کرده است. آمار بالای اختلافات خانوادگی و طلاق در دههٔ اخیر بیانگر وجود عدم انطباق‌پذیری و نارضایتی زناشویی در میان زوجین است (۶). همچنین ارزیابی و مقایسهٔ کارکرد خانواده میان زوج‌های راضی از زندگی زناشویی و زوج‌های ناراضی از زندگی و در حال طلاق نشان می‌دهد که آشنایی نداشتن هر یک از زوجین با مهارت های روان‌شناختی و پذیرش نقش های خانوادگی در سوق‌دادن زوج‌ها به ناسازگاری و طلاق نقش چشمگیری دارند (۷).

یافته‌های یک پژوهش انجام‌شده حاکی از آن است که عوامل متعددی بر انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد، ازجمله عوامل تأثیرگذار مهارت حل‌مسئله است. حل‌مسئلهٔ اجتماعی[1]، به‌عنوان فرایند شناختی‌ـ رفتاری معطوف به خود تلقی می‌گردد که شخص در آن تلاش می‌کند برای موقعیت‌های مشکل‌آفرین خاصی که در جریان زندگی روزانه با آن‌ها روبه‌رو می‌گردد راه‌حل‌های بهتر و سازگارانه را بررسی و کشف نماید. طبق تعریف بیان‌شده، فرآیند حل‌مسئله فعالیتی هدف‌دار، مجدانه و هوشیارانه محسوب گردیده که راه‌حل‌های اثربخش و بالقوه را برای حل‌مسئله در اختیار افراد قرار می‌دهد و باعث افزایش امکان انتخاب راه‌حل های مؤثر از بین راه‌حل های مختلف می‌شود (۸).

گروهی از محققان با تلفیق نتایج حاصل از مرور نظریه‌ها و یافته‌های پژوهشی گذشته در خصوص حل‌مسئلهٔ اجتماعی و پژوهش‌هایی که انجام داده بودند، الگوی حل‌مسئله اجتماعی را گسترش دادند (۹). این الگو بر پنج بُعد متمرکز می‌شود که دو بُعد آن مربوط به جهت‌یابی، یعنی جهت‌یابی مثبت مسئله[2] و جهت‌یابی منفی مسئله[3] هستند؛ سه بُعد دیگر آن سبک‌ها یا الگوهای حل‌مسئله هستند و شامل سبک حل‌مسئله منطقی[4]، سبک تکانشی‌ـ بی‌دقتی[5] و سبک اجتنابی[6] می‌شوند. جهت‌یابی مثبت مسئله و سبک حل‌مسئلهٔ منطقی ابعاد حل‌مسئله سازنده بوده و جهت‌یابی منفی مسئله، سبک تکانشی‌ـ بی‌دقتی و سبک اجتنابی ابعاد حل‌مسئله با کارکرد نامناسب هستند (۱۰).

جهت‌گیری حل‌مسئله اساساً مؤلفه‌ای انگیزشی است و دربرگیرندهٔ عمل به مجموعه‌ای از طرحواره‌های هیجانی‌ـ شناختی نسبتاً پایدار است که افکار و احساسات تعمیم‌یافتهٔ یک فرد و همچنین توانایی حل‌مسئله او را در زندگی منعکس می‌کند. جهت‌یابی مثبت مسئله بازتابی از باور فرد به قابل حل‌بودن مسائل، خودکارآمدی، کوشش و مداومت و تعهد شخصی به حل مسائل است؛ اما جهت‌یابی منفی منعکس‌کنندهٔ باور فرد دربارهٔ تهدیدآمیزبودن مسائل و مشکلات، خودکارآمدی ضعیف، ناکام شدن هنگام حل مسائل و تحمل کم برای ناکامی است (۹).

حل‌مسئلهٔ منطقی یکی از ابعاد سازندهٔ حل‌مسئله است که به منطق آگاهانه و نظام‌یافته و کاربرد مناسب مهارت‌های حل‌مسئلهٔ سازگارانه و کارآمد اشاره می‌کند. مهارت حل‌مسئله منطقی شامل خرده مهارت های تعریف مشکل، تولید و ارائهٔ راه‌حل های متفاوت، تصمیم‌گیر، اجرای راه‌حل و نظارت و بازبینی دقیق پیامدهای آن و ارزیابی راه‌حل می‌شود (۱۱). سبک تکانشی‌ـ بی‌دقتی بُعد منفی و ناکارآمد حل‌مسئله است که با تلاش‌های فعالانه برای به‌کاربردن راهبردها و فنون متفاوت همراه است، اما این تلاش‌ها به تکانشی‌بودن، بی‌احتیاطی، شتاب، انجام ناقص کار و بازبینی و نظارت نامناسب بر پیامدهای راه‌حل منجر می‌شود. افرادی که این سبک را دارند، راه‌حل‌های معدودی را در نظر می‌گیرند و به‌شیوهٔ تکانشی از اولین ایدهٔ رسیده‌به‌ذهن خود استفاده می‌کنند (۱۰).

بالاخره، سبک اجتنابی بُعد دیگری از سبک‌های حل‌مسئله است که دارای کارکرد نامناسب است و باطفره‌رفتن و مسامحه، منفعل‌بودن یا عدم فعالیت و وابستگی مشخص می‌شود. افرادی که در این بُعد نمرهٔ بیشتری می‌گیرند، ترجیح می‌دهند به‌جای مواجه‌شدن با مسئله از آن اجتناب کنند و پیداکردن راه حل را به تعویق اندازند. آنان منتظر می‌شوند تا مسئله توسط دیگران حل شود و تلاش می‌کنند مسئولیت حل مسائل خود را به دوش دیگران بیندازند (۱۲)؛ بنابراین همان‌طور

[1] Social Problem Solving
[2] Positive problem Orientation
[3] Negative problem Orientation
[4] Rational problem solving
[5] Impulsivity-carelessness style
[6] Avoidance- Style

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.101.6]

که در مطالب فوق عنوان شد تفاهم زوجین و سازگاری زناشویی در دوام و بقای خانواده نقش به‌سزایی را ایفا می‌کند و همین تعاملات هستند که به زندگی خانوادگی معنا بخشیده و بر ابعاد مختلف زندگی مشترک از جمله سلامت روانی تأثیر می‌گذارد. از سویی دیگر نتایج تحقیقات و پژوهش‌های بررسی شده در حوزهٔ مسائل زندگی مشترک زناشویی گویای این مهم بودند که آمار بالای اختلافات خانوادگی و طلاق در دههٔ اخیر نشانگر وجود عدم انطباق‌پذیری و نارضایتی زناشویی در میان زوجین است. همچنین آشنایی نداشتن هر یک از زوجین با مهارت‌های روان‌شناختی و پذیرش نقش‌های خانوادگی در سوق‌دادن زوج‌ها به ناسازگاری و طلاق نقش چشمگیری دارد و زندگی زوج‌هایی که امیدوار هستند که ازدواج موفق و ایده‌آلی داشته باشند به‌دلیل ناآگاهی از مهارت‌های زندگی به رابطه‌ای سرد و بدون صمیمیت منتهی می‌شود. لذا با توجه به مطالب عنوان‌شده هدف از اجرای این پژوهش، بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل‌مسئلهٔ اجتماعی بر افزایش میزان انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی در زوجین ناسازگار بود.

۲ روش بررسی

پژوهش حاضر از نوع طرح نیمه‌آزمایشی (پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه آزمایش و گواه) بود. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر شامل تمامی زوجینی بود که جهت حل مشکلات و تعارضات زناشویی به مراکز مشاورهٔ شهر اردبیل تحت نظارت نظام روان‌شناسی در سال ۹۷-۹۶ مراجعه کردند. در این طرح پس از اعلام فراخوان از بین داوطلبانی که خواهان حضور در طرح و واجد شرایط ورود در جلسات بودند، ۱۲ زوج که کمترین نمرات را در پرسشنامهٔ رضایت زناشویی و انطباق‌پذیری خانوادگی کسب کردند و وضعیت زناشویی ناسازگارتری داشتند، انتخاب شدند. ازآنجایی‌که در گروه‌های مشاوره و روان‌درمانی بهتر است اندازهٔ گروه بیش از ۱۰ تا ۱۲ نفر نباشد (۱۳). تعداد اعضای گروه‌ها را در پژوهش حاضر می‌توان مناسب دانست. از بین زوجینی که دارای حداقل ۵ سال سابقهٔ زندگی مشترک بودند و همین‌طور در محدودهٔ سنی ۲۶ تا ۵۵ سال قرار داشتند با روش گمارش تصادفی ۶ نفر به‌عنوان گروه آزمایش و ۶ نفر به‌عنوان گروه گواه اختصاص یافتند. از دیگر شرایط ورود به مطالعه، متقاضی طلاق‌بودن، حضور در تمامی جلسات تا پایان درمان و عدم دریافت خدمات مشاورهٔ فردی در طول شرکت در جلسات درمانی بود. مصرف داروهای روان‌پزشکی و روان‌گردان نیز شرط خروج افراد از مطالعه در نظر گرفته شد. روش آماری استفاده‌شده در این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی بود. به‌طوری‌که از جداول توزیع فراوانی، میانگین و انحراف معیار برای توصیف داده‌ها و همچنین برای تجزیه‌وتحلیل فرضیات از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) استفاده شد. همچنین جهت بررسی نرمال‌بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف‌اسمیرنف و برای بررسی پیش‌فرض همگنی ماتریس واریانس- کوواریانس متغیرهای پژوهش در گروه‌های مطالعه‌شده از آزمون باکس استفاده شد.

لازم‌به‌ذکر است که تمامی موارد اخلاقی لازم، اعم از بیان اهداف پژوهش، رازداری، اطمینان‌دادن به زوجین درزمینهٔ محرمانه ماندن اطلاعات آن‌ها، آزاد گذاشتن زوجین برای انصراف در صورت عدم تمایل به ادامه کار و سایر موارد به شرکت‌کنندگان ارائه شد. همچنین جلسات آموزشی برای شرکت‌کنندگان برنامه‌ریزی گردید که شرح جلسات آموزش مهارت حل‌مسئله اجتماعی در جدول ۱ آورده شده است.

در پژوهش حاضر جهت ارزیابی کنش‌وری خانواده از مقیاس انطباق‌پذیری و پیوستگی خانوادگی[1] (FACES-3) استفاده شد. این مقیاس به‌منظور ارزیابی کنش‌وری خانواده طراحی و تهیه شده است و از مقیاس‌های پرکاربرد برای اندازه‌گیری ساختار خانواده است. این مقیاس که سومین تجدیدنظر انطباق‌پذیری و پیوستگی خانوادگی است به‌منظور اندازه‌گیری دو بُعد اصلی الگوی «سرکامپلکس» یعنی «پیوستگی» و «انطباق‌پذیری» خانواده توسط السون[2] و همکاران (۱۴) طراحی شده است که براساس مقیاس لیکرت پنج‌تایی از ۱ تا ۵ کدگذاری شده‌اند. این ابزار پرسشنامه‌ای خودگزارشی، شامل ۲۰ سؤال است که ۱۰ سؤال آن، پیوستگی و ۱۰ سؤال نیز انطباق‌پذیری در خانواده را می‌سنجد و درخصوص ویژگی‌های روان‌سنجی این آزمون، اعتماد برای بُعد پیوستگی ۰/۷۷ و برای بُعد انطباق‌پذیری ۰/۶۲ گزارش شده است (۱۴). همچنین در پژوهش مظاهری و همکاران، اعتماد مقیاس حاضر توسط آلفای کرونباخ برای بُعد پیوستگی ۰/۷۴ و برای بُعد انطباق‌پذیری ۰/۷۵ به دست آمد (۱۵)

پرسشنامهٔ استاندارد رضایت‌مندی زناشویی «انریچ[3]» فرم کوتاه: برای بررسی رضایت زناشویی[4]، از پرسشنامهٔ انریچ استفاده گردید. فرم کوتاه این مقیاس توسط سلیمانیان (۱۶) تهیه شده است که دارای ۴۷ سؤال است. این پرسشنامه به‌منظور ارزیابی زمینه‌های بالقوهٔ مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های قوت و پرباری رابطهٔ زناشویی به کار می‌رود. سلیمانیان با دسته‌بندی پرسش‌های مرتبط، ۴۷ پرسش فوق را به ۹مؤلفه شامل: موضوعات شخصیتی، ارتباط دوتایی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطهٔ جنسی، فرزندپروری، ارتباط با اقوام و دوستان و جهت‌گیری مذهبی تفکیک کرده‌اند که هر یک از این مؤلفه‌ها بُعد خاصی از رضایت زناشویی را اندازه می‌گیرند. در ایران اولین بار سلیمانیان همبستگی درونی این آزمون را برای فرم بلند ۰/۹۳ و برای فرم کوتاه ۰/۹۵ محاسبه و گزارش کرده است (۱۶). برای محاسبهٔ روایی پرسشنامهٔ انریچ، شریف‌نیا روایی پرسشنامهٔ رضایت زناشویی را با پرسشنامهٔ سازگاری زوجی ابزارسنج خانواده ۹۲درصد به دست آورد (۱۷). همچنین در پژوهشی دیگر که توسط مهدویان انجام یافت این مقیاس با مقیاس‌های رضایت خانوادگی و مقیاس رضایت از زندگی همبسته شد. نتایج نشان داد که ضریب همبستگی این پرسشنامه با رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس‌های رضایت از زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که نشانه روایی سازه آن است (۱۸). روایی هم زمان این پرسشنامه با فرم اصلی توسط سلیمانیان ۰/۹۵ محاسبه شد (۱۶). روایی سازهٔ پرسشنامه نیز بررسی

[1]- Family Adaotionility And Cohesion Evalution Scale
[2]- David h olson
[3]- Enrich
[4]- Marital Satisfaction

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.101.6]

شد و همبستگی زیرمقیاس‌های پرسشنامه با نمرهٔ کل بین ۰/۶۴ تا ۰/۸۵ به دست آمد. السون و همکاران (۱۴) ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه را ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش نیز پایایی آن به روش همسانی درونی، آلفای کرونباخ ۰/۸۵ محاسبه شد. در پرسشنامهٔ رضایت زناشویی انریچ، پاسخ به سؤالات به‌صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۵=کاملاً موافق تا ۱=کاملاً مخالف، بوده و کمترین نمره ۴۷ و بیشترین نمره ۲۳۵ است؛ افرادی که نمرات آن‌ها زیر ۱۵۰ است دارای میزانی از ناسازگاری زناشویی هستند.

جدول ۱. شرح جلسات آموزش مهارت حل‌مسئلهٔ اجتماعی

جلسات	اهداف
جلسهٔ اول	ـ معارفه و آشنایی اعضا با یکدیگر. ـ بیان انکارناپذیربودن مسئله در زندگی. ـ پرسش از اعضا دربارهٔ شیوه‌هایی که قبلاً برای حل مسائل خود استفاده می‌کردند. ـ معرفی کلی رویکرد حل‌مسئله و مراحل آن و بیان ضرورت آشنایی با آن. ـ تعیین رئوس و ساختار کلی جلسات و اهداف آموزشی. ـ توافق بر انتظارات بین اعضای گروه و درمان‌گر — ارائهٔ تکلیف برای جلسهٔ بعد.
جلسهٔ دوم	ـ مرور تکالیف جلسهٔ گذشته. ـ معرفی مرحلهٔ اول (تشخیص و توصیف مسئله، فهرست‌بندی و انتخاب مهمترین مسئله). ـ انجام تکالیف گروهی و اصلاح و بیان اشکالات تکلیف خانگی جلسهٔ پیش. ـ ارائهٔ جزوه دربارهٔ حل‌مسئله جهت آشنایی بیشتر و ارائهٔ تکلیف برای جلسهٔ بعد. ـ دریافت بازخورد.
جلسهٔ سوم	ـ مرور تکلیف و سؤال از اعضا دربارهٔ مشکلات احتمالی هنگام انجام تکالیف. ـ انجام تکلیف در گروه و ارائهٔ تکلیف برای جلسهٔ آینده و دریافت بازخورد.
جلسهٔ چهارم	ـ مرور تکالیف جلسات قبل و انجام تکالیف در گروه. ـ ارائهٔ تکلیف برای جلسهٔ بعد و دریافت بازخورد.
جلسهٔ پنجم	ـ مرور تکلیف و آموزش تکنیک دوستون با معایب و مزایای راه‌حل‌ها. ـ ارائهٔ تکلیف برای جلسهٔ بعد و دریافت بازخورد.
جلسهٔ ششم	ـ مرور تکالیف و ادامهٔ تکنیک دوستون و انتخاب مناسب‌ترین راه‌حل ـ ارائهٔ تکلیف و دریافت بازخورد.
جلسهٔ هفتم	ـ دریافت بازخورد دربارهٔ مشکلات مربوط به جلسهٔ گذشته. ـ بررسی نتیجه و به‌کارگیری راه‌حل انتخاب‌شده، ارائهٔ تکلیف، دریافت بازخورد.
جلسهٔ هشتم	ـ مرور جلسات و دریافت بازخورد کلی دربارهٔ راه‌حل انتخاب‌شده. ـ بررسی میزان موفقیت یا شکست راه‌حل انتخاب‌شده و دلایل شکست احتمالی راه‌حل. ـ انتخاب راه‌حل دیگر در صورت کارساز نبودن راه حل به‌کارگرفته‌شده. ـ دریافت بازخورد کلی به کل جلسات.

۳ یافته‌ها

براساس نتایج آزمون توصیفی که در جدول ۲ آورده شده، در ویژگی‌های توصیفی (جمعیت شناختی) شرکت‌کنندگان از قبیل گروه سنی، تحصیلات، سابقه ازدواج و وضعیت مالی، تفاوت معناداری بین دو گروه آزمایش و گواه وجود ندارد. نتایج آزمون کلموگراف‌ـ اسمیرنف برای نرمال بودن متغیرهای پژوهشی نشان داد که داده‌های به‌دست‌آمده توزیع نرمال داشت و توزیع نمرات متغیر انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی در پیش‌آزمون‌ـ زمون نرمال بود. همچنین نتایج آزمون باکس دربارهٔ متغیرهای پژوهشی (۰/۳۶۵) نشان داد که پیش‌فرض همگنی ماتریس واریانس‌ـ کواریانس به خوبی رعایت شده و برقرار است.

باتوجه به نتایج جدول ۳، مشاهده می‌شود که بین نمرات پیش‌آزمون انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی گروه آزمایش و گواه تفاوت چشمگیری وجود ندارد. همچنین افزایش در نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه بیشتر است. علاوه‌براین، نتایج پژوهش نشان داد که تفاوت بین میانگین نمرات انطباق‌پذیری و نمرات رضایت زناشویی در مرحلهٔ پس‌آزمون بعد از کنترل نمرات پیش‌آزمون در دو گروه آزمایش و گواه، معنادار شد ($p\leq$۰/۰۰۱). بدین‌معنا که آموزش مهارت حل‌مسئلهٔ اجتماعی در افزایش میزان انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی زوجین ناسازگار مؤثر بود.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.101.6]

جدول ۲. داده‌های جمعیت‌شناختی گروه آزمایش و گواه

متغیرهای جمیعت‌شناختی		گروه آزمایش تعداد	گروه آزمایش درصد	گروه گواه تعداد	گروه گواه درصد
گروه سنی	۲۶ — ۳۵ سال	۵	۴۱/۶۶	۴	۳۳/۳۴
	۳۶ — ۴۵ سال	۵	۴۱/۶۶	۶	۵۰
	۴۶ — ۵۵ سال	۲	۱۶/۶۶	۲	۱۶/۶۶
تحصیلات	سیکل	۲	۱۶/۶۶	۲	۱۶/۶۶
	دیپلم	۴	۳۳/۳۴	۳	۲۵
	دانشگاهی	۶	۵۰	۷	۵۸/۳۴
سابقه ازدواج	۹-۵ سال	۶	۵۰	۵	۴۱/۶۶
	۱۴-۱۰ سال	۵	۴۱/۶۶	۵	۴۱/۶۶
	۱۵ سال به بالا	۱	۸/۳۳	۲	۱۶/۶۶
وضعیت مالی	بد	۳	۲۵	۴	۳۳/۳۴
	متوسط	۵	۴۱/۶۶	۶	۵۰
	خوب	۴	۳۳/۳۴	۲	۱۶/۶۶

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی در گروه آزمایش و گواه

متغیر	گروه							
	گواه پیش‌آزمون		گواه پس‌آزمون		آزمایش پیش‌آزمون		آزمایش پس‌آزمون	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
انطباق‌پذیری	۱۷/۱۰	۵/۳۳	۱۷/۳۵	۵/۲۳	۱۷/۱۵	۴/۸۷	۲۳/۶۳	۵/۱۴
رضایت زناشویی	۱۶/۱۳	۵/۴۱	۱۶/۱۵	۴/۸۷	۱۷/۳۵	۴/۸۳	۲۲/۴۶	۵/۶۳

۴ بحث

استفاده از روش آموزش حل‌مسئله، در بین درمان‌های مشکلات زناشویی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. پژوهش حاضر اثربخشی این روش را بر افزایش میزان انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی زوجین ناسازگار آزمون کرده است. براساس یافته‌های پژوهش فعلی، نشان داده شد که روش آموزش مهارت حل‌مسئله اجتماعی بر افزایش میزان انطباق‌پذیری در زوجین ناسازگار مؤثر است که با یافته‌های مطالعهٔ سهراب‌پور و همکاران همسوست. سهراب‌پور و همکاران (۱۹) در پژوهشی نشان دادند که آموزش مهارت حل‌مسئله باعث افزایش انطباق‌پذیری و همبستگی مردان متأهل می‌شود. در تبیین نتایج می‌توان گفت که آموزش مهارت حل‌مسئله اجتماعی ابزار مفیدی است که طی آن فرد تلاش می‌کند تا پاسخ‌های مقابله‌ای مؤثر یا سازگارانه را برای موقعیت‌های مشکل ویژه که در زندگی روزمره با آن‌ها روبه‌رو است کشف یا ابداع کند. به‌عقیدهٔ السون خانواده‌ها و زوجینی که عملکرد مناسبی دارند در سطح متعادلی از انطباق‌پذیری قرار می‌گیرند و می‌توانند بین جدایی و باهم‌بودن تعدیل ایجاد کنند؛ در کنار اینکه فردی مستقل هستند با خانواده یا همسر خود رابطهٔ عاطفی خوبی داشته باشند. انطباق‌پذیری خانواده در واقع میزان تغییر در رهبری، نقش ارتباطات و قواعد و قوانین در روابط بین زوجین را هدف قرار می‌دهد؛ این امر شامل رهبری (کنترل و نظم) سبک‌های مذاکره، روابط نقش و قواعد و مقررات بین‌فردی است. تمرکز اصلی در انطباق‌پذیری در این است که چه‌طور سیستم‌ها بین تغییرکردن در مقابل ثابت‌بودن تعادلی برقرار می‌سازد. به‌عبارت‌دیگر تمرکز بُعد انطباق‌پذیری بر این است که چگونه سیستم بین شاخص جدایی در مقابل باهم‌بودن تعادل برقرار می‌سازد و بدین‌ترتیب آموزش مهارت حل‌مسئلهٔ اجتماعی می‌تواند بر میزان انطباق‌پذیری زوجین ناسازگار تأثیر مثبتی داشته باشد.

همچنین براساس یافته‌های پژوهش، مشاهده شد که روش آموزش مهارت حل‌مسئلهٔ اجتماعی بر افزایش میزان رضایت زناشویی در زوجین ناسازگار مؤثر است که نتایج به‌دست‌آمده با تحقیقات جانسون و همکاران (۲۰) همسوست. جانسون و همکاران در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که مهارت حل‌مسئله و آموزش ابراز وجود، رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد. همچنین مهارت حل‌مسئله و ابراز وجود، قادر به پیش‌بینی تغییرات در رضایت زناشویی زوجین است. پاکروان و همکاران در پژوهشی که تحت عنوان اثربخشی روش آموزش حل‌مسئله بر رضایت زناشویی و نیمرخ روانی زوجین انجام دادند دریافتند که آموزش حل‌مسئله، راهبرد مناسبی در افزایش رضایت زناشویی و کاهش علائم روان‌شناختی زوجین است (۲۱)

در تبیین تأثیر آموزش مهارت حل‌مسئلهٔ اجتماعی بر میزان رضایت زناشویی در زوجین ناسازگار این‌گونه می‌توان گفت که اغلب مشکلات زناشویی از نداشتن یا به‌کار نبستن مهارت‌های ارتباطی ناشی می‌شود

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.101.6]

(۲۲). حل‌مسئلهٔ اجتماعی از جمله مهارت‌های سازنده‌ای است که می‌تواند مشکلات رابطه‌ای زوجین را کاهش دهد. همچنین آگاهی زوجین از طبیعی‌بودن اختلاف‌ها و تفاوت‌های زن و شوهر و نگریستن به تعارض به‌عنوان مسئله و چالشی برای حل‌کردن و نه یک عامل تهدیدکنندهٔ مخرب، می‌تواند در حل اختلافات آن‌ها کمک به‌سزایی کند. صاحب‌نظران یکی از مشخصه‌های بسیار مهم موقعیت‌های مسئله‌آفرین از جمله تعارض زوجین را واکنش هیجانی افراد می‌دانند و عقیده دارند اولین قدم در تمامی مسائل زندگی زناشویی، ساده‌ترین آن‌ها «مکث‌کردن و فکرکردن» است؛ به‌عبارتی اگر زوجین در هنگام مواجهه با مشکل فوراً پاسخ دهند ممکن است وقت کافی برای پاسخ‌های شناختی باقی نگذارند؛ پاسخ‌هایی که به زوجین در انتخاب سلسله اقدامات مؤثر کمک می‌کند (۲۲). لذا شیوهٔ حل‌مسئلهٔ اجتماعی به‌عنوان راهبرد شناختی می‌تواند در بروز واکنش‌های هیجانی زوجین مؤثر باشد و بدین‌ترتیب آموزش مهارت حل‌مسئلهٔ اجتماعی می‌تواند بر میزان رضایت زناشویی زوجین ناسازگار تأثیر مثبتی بگذارد.

البته این پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بود، ازجمله اینکه با توجه به محدودیت زمانی، اجرای دورهٔ پیگیری جهت ارزیابی تداوم اثربخشی روش‌های درمانی میسر نشد، همچنین به‌دلیل اینکه هر دو نوع درمان توسط خود محقق انجام شده است، احتمال اثر هاله‌ای وجود دارد. نظر به اینکه مهارت حل‌مسئلهٔ اجتماعی اثربخشی بیشتری دارد، پیشنهاد می‌شود که در حوزهٔ این روش برای دست‌یابی به وحدت کل از جهت تهیهٔ بستهٔ درمانی، فعالیت‌های پژوهشی بیشتری صورت گیرد و اینکه کاربرد رویکرد مهارت حل‌مسئلهٔ اجتماعی همراه با سایر درمان‌های روان شناختی بر روی انواع تعارضات و مشکلات زناشویی به‌صورت تحقیقات پژوهشی انجام شود.

۵ نتیجه‌گیری

نتایج این مطالعه به‌خوبی روشن نمود که آموزش مهارت حل‌مسئلهٔ اجتماعی باعث صمیمیت بیشتر زوجین شده است و این برنامهٔ مداخلهٔ آموزشی در بهبود و افزایش صمیمیت زناشویی مؤثر است. می‌توان گفت که روش مهارت حل‌مسئلهٔ اجتماعی بر روی افزایش میزان انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی در زوجین ناسازگار تأثیر مثبتی دارد.

۶ تشکر و قدردانی

از زوجین شرکت‌کننده در پژوهش و تمامی عزیزانی که به هر نحو ما را در اجرای این طرح یاری نمودند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

References

1. Saroukhani B. Introduction to Family Sociology. First edition. Tehran: Sorush Publishing; 1991, pp: 255. [Persian]
2. Fathiye Ashtiyani A, Ahmadi Kh. The Studying of successful and unsuccessful marriages among students. Journal of Daneshvar-e-Raftar. 2004; 11(7):9-10. [Persian]
3. Karney BR, Coombs RH. Memory bias in long-term close relationships: Consistency or improvement?. Pers Soc Psychol Bull. 2000; 26(8): 959-70. Doi:10.1177/01461672002610006
4. Mehrabizadeh Honarmand M, Hoseinpoor M, Mehdizadeh L. The Effectiveness of Life Skills Training on Marital Adjustment of Married Women 20-40 Years. Journal of Studies in Learning & Instruction. 2010; 2(1): 125-39. [Persian]
5. Khodabkhshi Kulaie A. Comparison of Work-Family Conflict and Marital Adaptation in Man-Workers Turn-Off and Non-Turnarounded Petrochemical Company of Southern Oil Fields. Journal of career & Organization counseling.2016; 7(22): 55. [Persian]
6. Shahgholyan M, Jan Nesar Shargh R, Abdollahi MH. The Relationship between Emotional Intelligence and Coping Styles with Stress with Communication patterns between couples.2007; 6(22):76.[Persian]
7. Bahari F. Evaluation and comparison of family performance of non-divorced couples and divorced couples referring to the legal medicine organization of the country [Thesis for the Master]. [Tehran, Iran]: Tarbiat Moalem University of Tehran; 2001, pp:77-79. [Persian]
8. D'Zurilla TJ, Nezu A, Maydeu-Olivares A. Social Problem-Solving Inventory-Revised (SPSI-R). North Tonawanda, NY: Multi-Health Systems, Inc; 2002.
9. D'Zurilla TJ, Nezu AM, Maydeu-Olivares A. Problem solving theory, research and social training. Washington DC: American Psychological. 2005; pp:15.
10. Abolmaali Kh. Criminology and delinquency theories (with an emphasis on social cognition). Second edition. Tehran: Arjmand Publications; 2010, pp: 60. [Persian]
11. Maydeu Olivares A, Dzurilla TJ. A Factor analytic study of social problem- solving inventory: An integration of theory and data. Cogn Ther Res. 1996; 20(2):115-33.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.101.6]

12. Bornstein Ph. Recognition and treatment of marital conflict (marital therapy). Sohrabi H. (Persian translator). First edition. Tehran: Institute for Cultural Services expressive; 2003, pp: 145-6. [Persian]
13. Sanai B. Group couceling and psychotherapy. Ninth edition.Tehran: Chehr publication; 2013, pp: 85. [Persian]
14. Olson DH. Circumplex Model of marital and family systems. Journal of Family Therapy. 2000; 22(2):144-67.
15. Mazaheri A. Sadeghi M. Heydari M. The Comparison of the perception and the ideals of the family structure of Derviddin and their young children. Journal of family research.2008; 4(16): 329-351. [Persian]
16. Soleimanian AA. The Effect of Irrational Thoughts on Marital Satisfaction, [Masters Degree in Counseling and Guidance]. [Bojnord,Iran]: Islamic Azad University, Bojnourd Branch; 1994,pp:101-21. [Persian]
17. Sharifniya F. The Relationship Between Satisfaction with marriage and Depression mothers and Their Relationship with Individual-Social Adjustment and Academic Performance of Their Students in Ahvaz City [Master's Degree in Educational Psychology]. [Ahvaz, Iran]: Faculty of Education and Psychology, Chamran martyr of Ahwaz University;2000. [Persian]
18. Mahdavian F. Role of Communication Training on Marital Satisfaction and Mental Health [Masters Degree in Clinical Psychology]. [Tehran, Iran]: Medical Sciences and Health Services of Iran;1997.[Persian]
19. Sohrabpour Gh, Nouruzi Dashtaki M, Madani Y. Effectiveness of problem-solving skills on the level of family adaptability and solidarity. The first National Congress of Family Psychology in designing a Desirable family model. Ahwaz, Iranian Society of Family Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz; 2014. [Persian]
20. Johnson MD, Cohan LC, Davial J, Lawrence E, Rogge RD, Karney BR, et al. Problem-solving skills and affective expression as predictors of change in marital satisfaction. 2015; 73(1):15-27.
21. Pakravan E, Haghayegh S, Nshatdoust H, Molavi H. Efficacy of problem solving method on the marital satisfaction and psychological profile of the couples of Brojen city.Cultre counsouling and Psychotherapy. 2013; 4(16): 15-31. [Persian]
22. Marvin RG. Gerald CD. Clinical Behavior Therapy. Maher F. (Persian translator). First edition. Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing House;1991,pp:357.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.101.6]